صاحب خبر

یک رمان جدید رضوی در دست انتشار

کتاب «عمارت پیر» جدیدترین داستان رضوی انتشارات به‌نشر که موضوع آن داستان وقف روستایی به حرم حضرت رضا(ع) است به زودی چاپخش خواهد شد. به‌گزارش فارس، کتاب «عمارت پیر» از مشکلاتی می‌گوید که برای عمل به این وقف ایجاد می‌شود. این اثر در قالب رمان‌های رضوی انتشارات به‌نشر چاپ و روانه بازار کتاب ایران خواهد شد. حسین زند، پژوهشگر و داستان‌نویس، روایتش در «عمارت پیر» را بر پایه درگیری‌های ارباب-رعیتی و کشمکش این دو گروه پیش می‌برد. در بخشی از این رمان امام‌رضایی خواهید خواند: «بی‌اختیار صدا به دعا بلند کرد و امام رضا(ع) را به مدد گرفت: «یا ضامن آهو، می‌بینی که دستانم اسیر قساوت جبار است و کاری از من ساخته نیست، می ترسم به کین جبار جان بدهم و امانت ارباب بی سرانجام بماند و این همه ملک و املاک که وقف حرم شماست بیفتد دست نا اهل، دستم به دامنت! زنده ماندن و نماندنم مهم نیست، فقط کاری کن که آن دنیا شرمنده شما و آن خدا بیامرز نباشم، خودت راه و چاه را نشانم بده.»

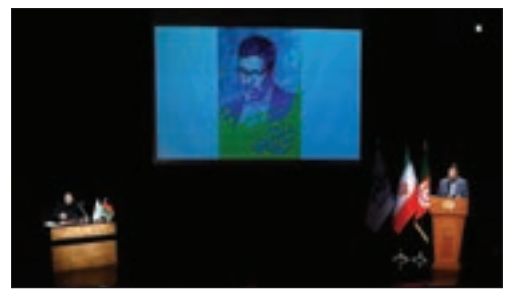


رونمایی از سردیس محمد معین



آیین رونمایی از سردیس و دیوارنگاره و پوستر نخستین جشنواره ملی ادبی دکتر محمد معین به مناسبت یکصد و پنجمین زادروز این استاد برجسته ادبیات فارسی برگزار شد. به گزارش ایبنا، این برنامه در خانه موزه دکتر محمد معین و استاد محمدعلی امیرجاهد (شاعر و موسیقی‌دان و تصنیف‌ساز) با حضور اهالی و پیشکسوتان فرهنگ و هنر و ادب روز جمعه ۱۵ اردیبهشت‌ماه برگزار شد و در آغاز آن، مهدخت معین، حمیدرضا نوبخش، مهدی سبحانی، مجید قادری از سردیس برنزی محمد معین که در مقابل خانه موزه نصب شده بود، رونمایی کردند و سپس از دیوارنگاره‌های منقوش به چهره دکتر معین و استاد امیرجاهد و پوستر جشنواره رونمایی شد.

شاعری که از سیاست‌زدگی به دور است



«وقتی کارنامه شاعران مهاجر را نگاه می‌کنیم، می بینیم این شاعران به چند دسته تقسیم بندی می شوند. بیشتر آن‌ها اجتماعی‌گرا و سیاسی‌گرایند ،اما در این میان، اندک شاعرانی هم هستند که از این گرایش عام فراتر رفته‌اند و یکی از آن‌ها استاد حمید مبشر است.»

سیدابوطالب مظفری، شاعر و منتقد ادبی برجسته افغانستانی، با بیان سخنان پیش‌گفته درباره حمید مبشر افزود: در شعر ایشان رگه‌هایی از معنویت را هم می بینیم؛ شاعری که سیاست‌زدگی در کارهایش پیدا نیست، نه‌گرایش‌های ایدئولوژیک و نه‌گرایش‌های قومی. او به اجتماع می‌پردازد و از رنج و درد مردمش می‌نالد، اما بیشتر به دنبال دنیای آرمانی درونی خویش است.

او این سخنان را در شب نکوداشت سه دهه فعالیت ادبی حمید مبشر، شاعر بلندآوازه ادبیات مهاجرت افغانستان، بیان کرد. این برنامه پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت، با حضور اهالی ادب و هنر دو کشور همسایه، ایران و افغانستان، در تالار مهر حوزه هنری تهران برگزار شد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗

جبار کوچکی‌نژاد، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایرنا:

طبق آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی حقوق و مزایای کارمندان مجلس و نمایندگان باید در کمیسیون برنامه و بودجه مورد بررسی قرار بگیرد.

ویراسته ✓

جبار کوچکی‌نژاد، نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با ایرنا:

طبق آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی حقوق و مزایای کارمندان مجلس و نمایندگان باید در کمیسیون برنامه و بودجه بررسی شود.

نکته

دست از سر این افعال «مورد» دار برداریم.

#زین_قند_پارسی

کنشگری اجتماعی بر بستر رسانه محلی

تأملاتی بر پیوند میان رسانه و کنشگری

هادی ذالکی

درنگ

کنشگری اجتماعی در جامعه ما مسیر رو به پیشرفتی دارد که فعالان رسانه‌ای پرچم‌دار آن هستند. در جامعه ما کنشگری اجتماعی رویکردی است که پایداری آن در گفت‌وگو با ظرفیت‌های سنتی و فرهنگی جامعه است و در این صورت می تواند تغییرات مثبتی در جامعه رقم بزند. دانش جامعه‌شناسی به‌کمک کنشگران اجتماعی از محدوده نظری دانشگاه بیرون می‌آید و پا به پستوها و تاریک روشن‌های جامعه می‌گذارد. اگر کنشگران اجتماعی نبودند، دانش جامعه‌شناسی نمی‌توانست بخش‌های مهم و بزرگی از جامعه را ببیند. طرح مباحث مهمی مانند بی‌عدالتی، فساد، فقر، تضادهای طبقاتی و... به‌شکل ملموس و زنده، محصول فعالیت‌های کنشگران اجتماعی است.

کنشگری به‌مثابه یک تیپ اجتماعی

کنشگران اجتماعی را یک تیپ جدید اجتماعی می‌دانند. تیپ اجتماعی به‌معنای مجموعه ویژگی‌هایی است که یک گروه اجتماعی را به‌شکل یک مدل و شبیه یکدیگر می‌سازد. تیپ جدید اجتماعی در حالی به‌شکل فعال مدنی و کنشگر اجتماعی ظهور پیدا کرده است که تا یک دهه پیش برای جامعه ما ناشناخته بود. ظهور کنشگران اجتماعی در جامعه ما با ادبیات جدیدی مانند حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، آرمان‌خواهی اجتماعی و... همراه شده است. بسیاری از این مفاهیم در ابتدا فقط در کتاب‌ها و سخنرانی‌ها بود، اما کنشگران اجتماعی آن‌ها را از طریق رسانه وارد جامعه کردند و مصادیق آن‌ها را نمایاندند.

کنشگر اجتماعی در نقش «شهروند مسئول»

نخستین نقش کنشگران اجتماعی در نقش «شهروند مسئول» است. کلید موفقیت جریان‌های اجتماعی در نهایت جلب نظر و مشارکت بیشتر ذی‌نفعان و گروه‌های اجتماعی است. برای این منظور، مردم باید کنشگران اجتماعی را به‌عنوان شهروندان مسئول به‌رسمیت بشناسند؛ شهروندانی که وضعیت بهتری را برای مردم جامعه می‌خواهند و مسئولانه رفتار می‌کنند و تداوم مسیر مطالبه‌گری و موفقیت در آن را بر اختلافات سیاسی ترجیح می‌دهند. چنین کنشگرانی به طور کلی از حاشیه‌های ایجادشده پیرامون یک جریان اجتماعی که اغلب گروه‌های سیاسی به‌دنبال بهره‌برداری از آن هستند، دوری می‌کنند و تمرکز بر تحقق اهداف اجتماعی خود را در اولویت قرار می‌دهند. در نقطه مقابل، برخی می‌کوشند در میان کنشگران اجتماعی شکاف ایجاد کنند و چهره آن‌ها را در نظر مردم بی‌اعتبار کنند. بنابراین هرچه کنشگران اجتماعی بتوانند جای پای خود را در ارزش‌های مردمی و هنجارهای فرهنگی محکم کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که بتوانند مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و همراهی آن‌ها را به‌دست آورند. کنشگران اجتماعی متعهد و مسئول در عین حال می‌کوشند رفتارهای غیرمنطقی و خشونت‌آمیز درون جریان خود را کاهش دهند و بدین ترتیب همراهی گروه‌های خاموش ذی‌نفع را که از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی کناره گرفته‌اند، افزایش دهند. کنشگری اجتماعی در نقش شهروند مسئول و متعهد، نماد رفتار مطلوب شهروندی در جامعه است و تلاش می‌کند برای رسیدن به اهداف از ابزارهای مردمی استفاده کند؛ مدافع حقوق شهروندان و نشان‌دهنده چشم‌انداز یک جامعه خوب و سالم است؛ با رفتار مسئولانه خود در نظر شهروندان عادی و گروه‌های هدف به مطالبات خود مشروعیت می‌بخشد؛ کنشگری خود را توانمند می‌کند تا در برابر بی‌اعتبارسازی‌های اعمال‌شده برخی مقاومت کند و رفتارهای نادرست را کاهش دهد.

رسانه محلی بازوی کنشگری اجتماعی

آن طور که بیان شد رسانه محلی می تواند بازو و ابزار کنشگری اجتماعی قرار گیرد. همچنین نقش رسانه‌های محلی در توسعه باید منطبق با ویژگی‌های قومیتی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی منطقه و نیز مردم‌محور و مشارکت‌طلب باشد، بنابراین یک نسخه واحد را نمی توان برای توسعه در مناطق مختلف یک کشور تجویز کرد. رسانه‌های محلی با فرهنگ‌سازی، آموزش‌دهی، حساسیت‌زایی، شورآفرینی، انگیزه‌زایی، زدودن باورها و ذهنیات بازدارنده، توجه‌دادن به ضرورت و اهمیت توسعه همه‌جانبه و پایدار، اطلاع‌رسانی مستمر از کم‌وکیف فرایند توسعه در همه ابعاد و آثار آن، آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از روند توسعه، شناسایی و برجسته‌سازی ضعف‌های توسعه، ایجاد ارتباط با نهادهای اجرایی، تبادل اطلاعات با دست‌اندرکاران و مجریان بخش‌های مختلف و... می توانند نقش برجسته‌ای در فرایند توسعه محلی ایفا کنند. تولید محتواهای متنوع با هدف برجسته‌سازی نقش و جایگاه توسعه در جامعه و تأثیر پیشرفت‌های آن در پیشبرد آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم رسانه‌های محلی می‌تواند آگاهی و بصیرت مخاطبان را در زمینه توسعه افزایش دهد و در نتیجه موجب مشارکت بیشتر مردم در فعالیت‌ها شود.



دکتر فرشاد مهدی‌پور، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اشاره به برگزاری رویداد «رج» مطرح کرد

نقش‌آفرینی رویداد «رج» در توسعه مرجعیت رسانه داخلی

دیدگاه

نخستین رویداد رسانه‌ای «رج» در حالی در مشهد مقدس برگزار شد که جریان اطلاع‌رسانی کشور با مشکلات فراوانی دست‌به‌گریبان است. رنج اطلاع‌رسانی در کشور ما دقیقا از نقطه روایتگری آغاز می‌شود و رویداد رسانه‌ای «رج» به نظر می‌رسد می‌تواند نقطه آغاز مناسبی باشد برای تغییر نگاه در نوع و ساختار روایتگری در کشور. در عصر مجازی‌شدن، اخبار ملی نیازمند و متکی به عملیات محلی است و اخبار محلی نیازمند توجه ملی. اگر رویدادهایی مانند «رج» بتوانند در دایره محلی، موجب بازنگری روایتگری شوند، پایه درستی را گذاشته‌اند و می‌توانند برای افزایش مرجعیت رسانه‌های داخلی مؤثر باشند. در این وضعیت، هم اخبار و رویدادهای ملی به‌صورت شبکه‌ای در سراسر ایران پوشش داده خواهند شد و هم روایت درست و بدون شایعه و جعل از همه مناطق کشور به دست مخاطب خواهد رسید.

آنچه در این میان حلقه گمشده و نیازمند توجه همه اهالی رسانه است، امری است به نام «مسئولیت رسانه‌ای». درک کامل از مفهوم مسئولیت رسانه‌ای احتمالا متناظر با این سه گزاره است:

اول. عواقب کاهش مرجعیت رسانه‌ای صرفا گریبان‌گیر اهالی رسانه نخواهد شد و به طور دنباله‌داری، مدیریت بسیاری از مسائل فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و حتی اقتصادی از دست خارج خواهد شد. پس همه ما اهالی رسانه در جای‌جای ایران باید مسئولان به‌ویژه مسئولان محلی را به اهمیت رسانه و مرجعیت رسانه‌ای آگاه کنیم.

آگاهی عمومی، میراث و برنامه انقلاب اسلامی بوده است و نباید قدمی از آن عقب‌نشینی کرد.

دوم. مسئولیت رسانه‌ای در چارچوب تفکر انقلاب اسلامی ایجاب می‌کند که تمام ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای نظام، هم‌دست و در یک مسیر باشند و واحد عمل کنند. جزیره‌ای‌کارکردن راه به جایی نمی‌برد و در این صورت برنده این جنگ رسانه‌ای، معارضان نظام مقدس جمهوری اسلامی خواهند بود. واحد عمل کردن ظرفیت‌های یادشده نیز به مدد تربیت نخبگان حرفه‌ای امکان‌پذیر است. جریان فرهنگی انقلاب دروازه‌بان آگاه خبری و آینده‌پژوه و قلم‌به‌دستان هوشیار و هوشمند نیاز دارد تا با تأکید بر درک مسئولیت رسانه‌ای، در تولید محتوا کوشا و مؤثر باشند.



سوم. جهاد تبیین امروز بر همه اهالی رسانه یک واجب قطعی است و سواد رسانه‌ای و مجازی یکی از مقدمات مهم این جهاد. به تعبیر قدما، مقدمه واجب هم واجب است؛ بنابراین توسعه سواد رسانه‌ای امروز در جامعه ما یک جهاد محسوب می‌شود و دانشگاه و حوزه و دولت باید با نگاه جهادی در این‌باره بکوشند. همه واقف هستید که امروز مسئله ضعف در سواد رسانه‌ای در هجوم بی‌امان اخبار خلاف‌واقع، چه هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر کشور تحمیل کرده است و برای کاهش آن هزینه‌ها، باید سرمایه‌گذاری وسیعی در این عرصه انجام دهیم. این انتظار هست که همه مسئولان استانی پای‌کار بیایند و از این رویکرد حمایت کنند؛ چون این مهم صرفا وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیما نیست، بلکه همه نهادها باید تحت یک برنامه جامع و هدفمند، نهایت حمایت و همکاری را در این‌باره داشته باشند. درست است که سواد رسانه‌ای موضوعی است جهانی و ملی، اما باید توجه داشت که روش‌ها و دسته‌بندی‌ها و محتوای آن باید همراه با نگاه منطقه‌ای باشد. بنابراین نمی‌توان یک دستورالعمل دائمی از مرکز صادر کرد تا مشکل همه کشور حل شود. شاید مسئله‌ها و اولویت‌های مثلا منطقه جنوب با شرق کشور متفاوت باشد و بر این اساس پاسخ و تدابیر رسانه‌ای، باید متناسب با موقعیت محلی و بومی لحاظ شود. و در نهایت اینکه اگر رسانه محلی، در جذب مخاطب و اثربخشی توفیق یابد، با کاهش التهابات روانی ایجادشده از جنگ ترکیبی در مقیاس ملی، می‌تواند به یک بازیگر تعیین‌کننده در افزایش سرمایه اجتماعی مبدل شود؛ ان‌شاءا...

نگاهی به زندگی یاسوناری کاواباتا، نخستین نوبلیست ژاپنی*

راوی سنت سرزمین آفتاب تابان

خادم

یادبود

در سال ۱۹۶۸ میلادی، یاسوناری کاواباتا برنده جایزه نوبل ادبیات شد و نام خود را به‌عنوان نخستین ژاپنی فهرست برندگان این جایزه ادبی ثبت کرد. آثار اوزیبایی ژاپن قدیم را با گرایش‌های مدرنیستی ترکیب کرد و نثر اورئالیسم را با دیدگاه‌های سوررئالیستی آمیخت. کتاب‌های کاواباتا به‌عنوان «غزل مالیخولیایی» توصیف شده‌اند و اغلب به بررسی جایگاه جنسیت در فرهنگ و زندگی فردی می‌پردازند. کاواباتا در طول زندگی خود رمان‌های بسیاری و بیش از صد داستان دو یا سه صفحه‌ای نوشت. او این داستان‌ها را «تاناگوکورو نو شوبِتسو» یا داستان‌های کف‌دستی نامید و گفت که آن‌ها گوهر هنر او را بیان می‌کنند.

یاسوناری کاواباتا سال ۱۸۹۹ در خانواده‌ای مرفه در اوزاکای ژاپن به دنیا آمد. پدرش، ایکیچی کاواباتا، پزشک برجسته‌ای بود که وقتی یاسوناری تنها دو سال داشت بر اثر بیماری سل درگذشت. او در سه‌سالگی مادرش را هم از دست داد، همچنین مادربزرگش را در هفت‌سالگی و تنها خواهرش را وقتی ۹ سال داشت. مرگ خانواده، یاسوناری را از تجربه یک کودکی عادی محروم کرد و او اغلب می گفت که تنهایی و بی ریشه بودن را زود آموخته است. بعدها خود را به‌عنوان کودکی «بدون خانه و خانواده» توصیف کرد. برخی از منتقدان این آسیب‌های اولیه را زمینه‌ای برای احساس از دست دادن و پشیمانی‌ای ارزیابی می کنند که در نوشته‌های او نفوذ کرده است. کاواباتا تحصیل در رشته ادبیات را در دانشگاه امپراتوری توکیو در سال ۱۹۲۰ آغاز کرد و در سال ۱۹۲۴ دانش‌آموخته شد. او و گروهی از نویسندگان جوان، مجله بونگه‌ئی جیدائی (ادبیات معاصر) را تأسیس کردند. با این مجله، آن‌ها از جنبشی ادبی دفاع کردند که با جریان نویسندگی رئالیستی غالب و غربی مخالفت می کرد.

کاواباتا اولین بار طعم موفقیت ادبی را در سال ۱۹۲۵ و با نوشتن رمان «رقصنده ایزو» چشید. او سال ۱۹۳۱ ازدواج کرد و پس از آن در کاماکورا، پایتخت باستانی سامورایی‌ها، ساکن شد. در طول جنگ جهانی دوم، به منچوری سفر کرد و درباره زیبایی‌شناسی سنتی ژاپنی که نمونه آن در رمان قرن یازدهمی «افسانه‌های گِنجی» است، مطالعه کرد. سفر به نقاط مختلف امپراتوری خورشید هویت ملی او را تقویت کرد. کاواباتا مشهورترین رمانش یعنی «سرزمین برف» را بلافاصله پس از جنگ منتشر کرد؛ داستان یک روشنفکر میان‌سال و دچار ملال و یک گِیشای سالخورده - زنی نیمه‌دیوانه-نیمه‌قدیس. از این رمان اقتباس‌هایی انجام شده که نسخه شیرو توییودا که در سال ۱۹۵۷ ساخت، موفق‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. یاسوناری کاواباتا در سال ۱۹۵۴ رمان «آوای کوهستان» را منتشر کرد



که برخی منتقدان آن را بهترین اثر او دانسته‌اند. این اثر جایزه ادبی آکادمی ژاپن را برایش ارمغان آورد، اما خود کاواباتا «استاد گو» را بهترین اثر خود می‌دانست و بسیاری از منتقدان این کتاب را تفسیر کاواباتا درباره فرهنگ ژاپن و جنگ جهانی دوم ارزیابی می کنند.

او پس از انتشار این آثار و ترجمه آن‌ها به انگلیسی و زبان‌های دیگر به نویسنده‌ای مشهور در سراسر جهان تبدیل شد. در دهه ۱۹۶۰، قبل از دریافت جایزه نوبل، در توری در ایالات متحده حضور یافت و در دانشگاه‌های آن کشور سخنرانی کرد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ کاواباتا در مبارزات انتخاباتی نامزدهای سیاسی محافظه‌کار در ژاپن حاضر شد و به همراه یوکیو میشیما و دیگر نویسندگان، بیانیه‌ای در محکومیت انقلاب فرهنگی چین امضا کرد. او همچنین رئیس انجمن قلم (PEN) ژاپن بود و از کمک به نویسندگان جوان و مشتاق دریغ نمی‌کرد.

اما مرگ تکان‌دهنده دیگری که زندگی کاواباتا را تحت‌تأثیر قرار داد، خودکشی بهترین شاگرد و به نوعی فرزندمعنوی‌اش، یوکیو میشیما بود. کاواباتا با خودکشی مخالف بود و در سخنرانی خود هنگام دریافت جایزه نوبل خودکشی را محکوم کرده و گفته بود: «هر چه هم انسان با جهان بیگانه شده باشد، خودکشی راه‌حل نیست. هر اندازه انسانی که دست به خودکشی زده باشد، در خور ستایش باشد، بسیار دورتر از قدیسان جای دارد. او در ۱۶ آوریل ۱۹۷۲، دو سال پس از خودکشی میشیما و یک سال‌ونیم پس از دریافت جایزه نوبل، خوابید و از رنج بیماری‌ای که مدتی بود عذابش می‌داد و از ناامیدی خلاص شد.

در نامه‌ای به دوستی گفته بود همه امیدهایش را از دست داده است. کنار جسدش یک بطری خالی پیدا کردند بی هیچ یادداشتی. قدیس بودن را انتخاب نکرد.

***این نوشته، ترجمه خلاصه‌ای است از مطلبی از سایت authorscalendar.info. همچنین از مقدمه محمدحسن شهسواری بر رمان آوای کوهستان، نشر چشمه، نیز بهره برده‌ایم.**